

تفسیر قرآن مجید
سوره رعد
آیه‌های ۴۲ و ۴۳

درب‌بر خدا نقشه‌ها نقش بر آب است

گسانی که پیش از آنان بودند ، مکروه حبله درزبند ، در حالی که خداوند هرگز آنه مکروه حبله را می‌داند ، و از کار هر کسی که انجام می‌دهد ، آگاه است ، و کافران به زودی می‌فهمند که سر- انجام‌خانه آخرت از آن کیست ؟

۴۲- و يقول الذین کفروا لست مرسلنا قلی کفی بآئنه شهیداً یعنی و اینکم و من عنده علم الکتاب .

گسانی که کافر ندی گویند تو فرستادنند نیستی (در پاسخ آنان بگو) ، همین بس که خدا ، و آن کسی که علم کتاب نورد او است ، میان من و شما گواه باشد .

برگهای زیادی از صفحات تاریخ بشر ، گواهی می‌دهند که وی بر اثر جهل و نادانی ، و با خود سری و خود خواهی گاهی در برابر نشانه‌های حیات بشر آسمانی ، به مقاومت می‌پرداخت و می‌گوید که ما سنجگی خاصی مشتمل‌های هدایت را فرود نماند . تاریخ مبارزه پیامبران ، با گروه‌های گوناگون در طول تاریخ ، مانع بسیاری پیشرفت آئین آسمانی بود ، که او زنده و سستگنانه است .

گاهی بشر با دانش و پیش می‌پسود ، و قدرت ناپذیر خود ، به فکر الوهیت و دعوی خدائسی افتاده و خود را خدای جهان و آسمانها معرفی

میکرد (۱) و با سحر و جادو میکرویرنگ ، به فکر مبارزه با یکی از بزرگترین رسولان خدا (موسی بن عمران) می‌افتاد ، تا از این طریق حکومت خود را بر ملتهای ضعیف و نوددهای ناتوان استوار سازد .

ولی او از این نکته غفلت داشت ، که وی ناتوانتر از آنست که با قدرت محدود و نارسای خود ، در این مبارزه کاری را پیش ببرد ، و در برابر اراده نابدخدا ، که به پیروزی حتی رسولان خود (۲) ، تغل گرفته است مانی پدید آورد . انسان با تمام اندیشه‌های خام و حبله و فریبهای خود ، سان بر کاهی است بر کف امواج کوبش آب ، که در هر لحظه‌ای با و تابوری وی ، ممکن می‌باشد .

جادو و یرنگ ساحران فرعون ، که مظهر مکروه حبله برعون به شمار می‌رفت ، نه تنها نشانه‌های به موسی وارد ساخت بلکه گردانندگان این صحنه ، سرانجام به صف خدایرتان پیوستند و چوبه داد را بر بردگی و شرمی حسی ترجیح دادند !

دشمنان معاصر پیام اسلام ، که با او ، به مبارزه سرنگشته بودند ، خاطره تلخ سرگذشت « ابرهه » (این سرخود خواهی که به فکرمحو آثار توحید و و دایمی گویه نیز سرزمین مکه افتاد) را به یاد داشتند و یادنگاهای خود ناظر بودند که چگونه سپاه او را بر اثر برایتگر براهی ناپذیری ، از پای در آمد ، اندیشه‌های باطل و یرنگهای نظامی او ، به نابودی گرفتند .

سرانجام مبارزه يك فرد ناتوان با يك قدرت

۱ - اناریکم الاعلی (التأذعات ۲۴)

۲ - انالصررسنا والذین آمنوا فی الحیاة الدنیا غافر - ۵۱

نامحدود ، جز شکست و نابودی چیزی نیست . مکروه و تب در صورتی مؤثر می‌افتد که طرف از نقشه دشمن آگاه نباشد ولی در برابر خدائی که پنهان و شکار ، برون و درون ، برای او یکسان است و از تمام کارها و فعلانتهای پنهان و آشکار ، آگاه می‌باشد ، و به موقع ، پرده از روی کار می‌دارد ، و نقشه‌ها را نقش بر آب می‌سازد ، چنین نقشه‌ها و فریبه‌ها ، تأثیری ندارد .

از آنچه گنیم مفاد نخستین آیه مورد بحث ، بخوبی روشن گردید آنجا که می‌فرماید : « قد مکر الذین من قبلهم ؛ فله المکر جمیعاً ، یعلم ما تکب کل نفس ... »

هدف از جمله « یعلم ما تکب کل نفس » اشاره به این نکته است که ، مکروه حبله درباره کسی مؤثر می‌افتد که از پنهانکارهای دشمن آگاه نباشد ، در صورتی که خدا از اندیشه‌ها و کارهای ما کاملاً آگاه هست .

مقصود از جمله « لله المکر جمیعاً » (برای خدا است همه مکرها) این نیست که خداوند نیز در طریق کوبیدن طغیانگران و نابود کردن آنها اذدر مکر وارد می‌شود زیرا فریب و یرنگ کار افراد عاجز و ناتوان است ، و ساحت نفس او پیرامه از آن می‌باشد بلکه از آنجا که او تمام نقشه‌های دشمنان دین ، به خوبی آگاه است و هر لحظه‌ای که بخواهد همرا محو و نابود می‌سازد ، می‌فرماید : (برای خدا است همه مکرها) یعنی او است که می‌تواند تمام توطنهای بندگان گردنکش را از اثر باندازد .

گواهی دادن خدا بر رسالت پیامبر :

در نخستین آیه این سوره (۱) خداوند با صراحت هر چه تمامتر، تصدیق کرد که قرآن کتابی است که از طرف پروردگار جهان به پیامبر نازل شده است چنانکه فرمود : «والذی انزل الیک من ربک الحق» و در پایان سوره می فرماید همین بس که خدا و کسیکه علم کتاب پیش او است بر رسالت تو گواهی میدهد. مشکلی که در گواهی دادن خدا به نظر می رسد این است که چگونه می توان این گواهی را به دست آورد چگونه می توان اطمینان پیدا کرد که خداوند بر حقانیت مدعی نبوت گواهی داده است .

ولی «یک بررسی دقیق، می توان پرده از روی این گونه «شهادتها» که در قرآن به طور مکرر وارد شده است، برداشت .

اولا : دآوری جامعه بی عرض عرب ، بر این بود که قرآن کلام خدا است و از نظر فصاحت و بلاغت ، خلوت و شیرینی ، جاذبه و کشش ، جمال و زیبایی در درجه ایست که هرگز نمی توان با آن مبارزه نمود ، با توجه به این موضوع که آنان می دانستند که قرآن کلام خدا است ، و همگی از زبان قرآن می شنیدند که خداوند با صراحت ، رسالت او را تصدیق می کند ،

مسأله گواهی خداوند بر صدق گفتار او روشن میگردد .

ثانیاً : دلیل نبوت پیامبر، منحصر به قرآن نبود، خداوند رسالت او را با انواع دلایل و معجزات همراه ساخته بود، و هرگز خداوند حکیم این دلایل و معجزات را در اختیار یک فرد ناسالحنمی گذارد، و اینکه او را با این اسناد ، مجتزم نموده است، خود یک نوع شهادت عملی بر رسالت او است .

در این دو وجه که برای تفسیر شهادت گفته شد ، مقصود از گواهی دادن خدا همان تصدیق نبوت و رسالت او است ، گاهی به طور قطعی و زمانی ، و گاهی دیگر به صورت عملی .

شاهد دیگر برای رسالت :

در ذیل آیه امیر ، شاهد دیگری را نیز یاد آور شدیم و میفرماید : «ومن عنده علم الکتاب» یعنی علاوه بر خدا ، شخصی که علم کتاب نزد او است به رسالت من نیز گواهی میدهد اکنون باید دید مقصود از این شخص که گواهی میدهد ، و علم کتابی در نزد او است ، چیست ؟ !

از آنجا که دانسته یحک در این قسمت مبسوط و گسترده است ، مشروح این قسمت را به شماره آینده موعول بسایم .

